

موسیقی اسپانیا

۳ - قرن هفدهم

همانطور که قرن شانزدهم نمودار آخرین حد شکوه و ترقی موسیقی اسپانیا بخصوص از نظر مذهبی بود، قرن هفدهم نیز پدیدار کننده عقب افتادگی تدریجی و غیر قابل اجتنابی گردید. در این قرن تنها سه امپراتور در اسپانیا حکومت کردند: فیلیپ سوم، فیلیپ چهارم و شارل دوم که بامرگ او دوره سلطه سلسله سلطنتی اتریش که بخصوص در زمان شارل پنجم سبب احیای هنر در اسپانیا شده بود، پایان رسید. در سال ۱۷۰۰ که شارل دوم درگذشت طبق وصیتش تاج و تخت اسپانیا به «فیلیپ دو بوربون» از نواده لویی چهاردهم پادشاه فرانسه واگذار شد. ولی شاهزاده شارل اتریشی که سلطنت را حق خود میدانست منازعاتی بی درپی آغاز نمود و این کشمکش تاریخی تا اواسط قرن هجدهم ادامه داشت.

اگر از نقطه نظر موسیقی اسپانیا به قرن هفدهم نظر افکنیم، میبینیم که این قرن در واقع دوره نوجویی محتاطانه و پراز اشتباه میباشد. جریان

موسیقی ایتالیائی که مخالف تفوق ملودی‌های تک صدائی بر کنترپوان بود در این زمان وارد شبه جزیره ایبری گردید. موسیقی هر روز گامی تازه در راه دور شدن از مذهب برمیداشت. بدین سبب روح موسیقی و اشعار بتدریج تغییر یافت، در حالیکه هنوز سنن قدیمی موسیقی با حرارت تمام نگهداری میشد.

در این قرن آوازهای غیر مذهبی شکوفا شد و این موضوع از چند مجموعه ترانه‌های پولیفونیک که به زمان ما رسیده است مشخص میشود. از جمله این مجموعه‌ها میتوان از « چند رومانس برای سه صدا » - دو کتاب حاوی ترانه‌های غیر مذهبی^۱ - « چند ویلانسیکو از خوان رومرو » و بالاخره « مجموعه ترانه‌های سابلونارا » نام برد.

در موسیقی اسپانیا، مجموعه اخیر نقش مهمی بازی میکند، زیرا حاوی آثار مهمی از پایان قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میباشد و مشخص آن کثرت تعداد ترانه‌ها و تنوع آنها است. در این مجموعه آثاری از « ماتئو رومرو » رهبر موسیقی نمازخانه سلطنتی و « خوان کاسترو » و « گابریل دیاز » و چند تن دیگر بچشم میخورد و در آن رومانس‌ها و ویلانسیکوهایی که برای دو، سه و چهار صدا نوشته شده است فراوان است؛ بعلاوه بهمان میزان هم آوازهای دیگر نظیر « فولیا^۲ » و « سگیدیلایا^۳ » نیز یافت میشود. یک مجموعه غنی دیگر، « آوازهای غیر مذهبی برای چهار صدا » میباشد که بعلت آنکه حاوی ۲۲۶ ترانه است، اهمیت فراوان دارد. اما افسوس که مصنفین اکثر این ترانه‌ها ناشناس اند. علوم انسانی

در همین زمان کتابی در مادرید چاپ شد که متأسفانه نسخه منحصر بفرد آن اخیراً از کتابخانه ملی مادرید بسرقت رفته است، از همین کتاب بود که « پدرول » برای تنظیم کتاب خود بنام « تئاتر تغزلی اسپانیا قبل از قرن نوزدهم » استفاده کرد. این کتاب حاوی ۱۱۹ قطعه میباشد که بیشتر برای اجرا در تئاترهای مادرید نوشته شده است.

در قرن هفدهم همانطور که بتدریج شکوه و جلال آثاری که برای ساز

Folias - ۲ Tonos Humanos - ۱
Seguidilla - ۳

ویهونلا نوشته شده بود بدست فراموشی سپرده میشد، آثار گیتاری باحرارت تمام جای خود را باز میکرد و آثار مهم و فراوانی مؤید این معنی است. اولین متد برای تعلیم گیتار، کتاب «متد برای تعلیم نوازندگی گیتار اسپانیولی» تألیف «لوئیس بریسینو»^۱ چاپ پاریس بسال ۱۶۲۷ میباشد. در این کتاب مؤلف يك رشته آکور پیشنهاد کرده تا باین ترتیب عوض آنکه گیتار را مانند لوت با زدن ضربه به سیم توسط مضراب بصدا در آورند، بصورت «آرپژ» نوازندگی کنند. این متد جدید بزودی پیشرفت کرد و کتابهای فراوانی درباره این موضوع بچاپ رسید و گیتار را باوج ترقی خود رسانید. در این زمان برای انگشت گذاری گیتار از اعداد اسفاده میشد.

در این دوره هارپ نیز پیشرفت زیادی کرد و شهرتی بهم زد و کسی که پیش از همه برای معرفی آن زحمت کشید و آهنگهایی ساخت، «خوان میدالگو»^۲ بود که نوعی هارپ نیز بنام «کلادی هارپ»^۳ اختراع نمود. باین ترتیب کار هارپ بجائی رسید که درصومعهها برای همراهی آوازهای پلی فونیک تنها هارپ را بکار میبردند. سایر سازها نیز کم و بیش در اسپانیا رواج پیدا کرد و مسابقات زیادی برای نوازندگان برپا گردید. در میان این سازها میتوان از «ترومبونهای اولیه»، «ابواهای اولیه»، «ربک، باسون و کرننت نام برد. ویولن نیز بتدریج وارد موسیقی اسپانیا شد، بخصوص طرفداران زیادی درصومعهها پیدا نمود.

هنر تئاتر در قرن هفدهم به منتهای تشعشع خود رسید و مؤسسات تئاتری نمایشات زیادی بروی صحنه میآوردند. در این نمایشات که اغلب کمدی بود بخاطر ایجاد فرح و نشاط در مردم از موسیقی استفاده فراوان بعمل میآمد. دو تن از درام نویسان این عصر، شایسته نام بردن اند؛ «لوپه دووگا»^۴ (۱۶۳۵-۱۵۶۲) و «پدرو کالدرون دولابارکا»^۵ (۱۶۸۱-۱۶۰۰). لوپه دووگا درام نویس بزرگ که - کورنی^۶ نمایشنامه نویس فرانسیوی، درام

Juan Hidalgo - ۲ Luis Briceno - ۱
 Lope de Vega - ۴ Clavi-Harpe - ۳
 Corneille - ۶ P. Calderon de la Barca - ۵

«لوسید» خود را از اثر وی بنام «ال سید» اقتباس کرده - مؤلف اولین لیبرتوی اپرا بنام «جنگل بدون عشق» در اسپانیا میباشد. اما متأسفانه نام موسیقیدان در نسخه‌ای که از این اپرا باقی مانده ذکر نشده و قسمت موسیقی آن نیز مفقود شده است. «کالدرون» نیز دو اپرا نوشت که در تئاتر سلطنتی با اجرا درآمد. در این اپراها چند رسیتانیف، تعدادی آریا، قطعات کوتاه برای چهارصدا، ریتم سگیدیل و نوعی «لایت موتیف» بچشم میخورد.

اگر اپرا یک نوع درام موزیکال بین‌المللی است، «تارثوئلا» بطور کاملاً آشکاری اسپانیایی است. مبتکر این نوع اپرای اسپانیایی «کالدرون دولابارکا» میباشد و وجه تسمیه آن از نوعی گیاه بیابانی اخذ شده است که در اطراف قصر بیلاقی سلطنتی در حومه مادرید (که این نوع اپرا برای بار اول در آنجا اجرا شد) بطور فراوان میروید. قدیمی‌ترین «تارثوئلا» که در ضمن حاوی نکات اصلی این فرم جدید میباشد «باغ فالرینا» نام دارد که در ۱۶۴۸ در تئاتر سلطنتی همانطور که ذکرش رفت اجرا شد. مشخصات این فرم جدید عبارت بود از: اجرا در دو پرده بجای سه پرده عادی کمدی - و توجه بیشتر به بخش موسیقی و آواز آن.

«تارثوئلا» که در ابتدا برای تفریح پادشاهان اسپانیا ابتکار شده بود بزودی به میان عامه مردم راه یافت و در تئاترهای مختلف بمعرض نمایش گذارده شد. موضوع این تارثوئلاها غالباً راجع به خدایان قدیم، قهرمانان افسانه‌ای، شاهان و اشخاص برجسته بود.

در میان آهنگسازانی که تارثوئلاهای معروفی ساخته‌اند میتوان از «ئیدالگو»، «سباستیان دورون» و «خوان ناواس» نام برد. «دورون» از این حیث اهمیت بیشتری دارد که علاوه بر موسیقی غیرمذهبی در موسیقی مذهبی نیز متبحر بوده و در کتابخانه مادرید علاوه بر تعدادی تارثوئلا آثار مذهبی او نیز موجود است که نشان دهنده عمق اصالت هنری و تکنیک کامل و درخشان وی میباشد.

- | | |
|--------------|--------------|
| El Cid - ۲ | Le Cid - ۱ |
| S. Doron - ۴ | Zarzuela - ۳ |
| | J. Navas - ۵ |

نوع دیگری از تئاتر : « تمدنی توام با آواز » بود که در آن دکلاماسیون و آواز و رقص اجرا میشد و ارزش این فرم هنری بقدری بالا رفت که در قرن هفدهم بر آنها نام عمومی « بائیس^۱ » (رقص ها) را نهادند. و « لوئیس دو بناوته^۲ » تمام قدرت و مهارت خویش را وقف توسعه این فرم نمود. موسیقیدانان بزرگ دیگری نظیر « تیرسو دومولینا^۳ » و « موره تو^۴ » و « کهوه دو^۵ » نیز کم و بیش از او تقلید کردند اما متأسفانه این میراث عظیم موزیکال از بین رفته و فقط لیبرتوی آنها باقی مانده است.

در همین قرن بود که براهمیت نمایشات مذهبی افزوده شد. در بین موسیقیدانان « کالدرون » بیش از همه در بالا بردن سطح این نمایشات کوشید و قسمت موسیقی آن را بنهایت درجه اهمیت رسانید. این نمایشات که شبیه به تمزیه خوانی است، در محلهای بزرگ سرباز و کوچه و خیابان در مقابل فقیر و غنی بمرض اجرا در میامد، شرکت های ثابت و معتبر معمولاً در جریان عید پاک کار خود را تعطیل کرده و در ظرف تعطیلات يك هفته ای عید، نمایشات مذهبی مزبور را که مشخص تئاتر اسپانیا است در کوچه و خیابان بنمایش میگذارند. موسیقی این نمایشات گاهی جنبه مذهبی (مانند ترانه های مذهبی و مزامیر) و گاهی جنبه غیر مذهبی (مانند ویلانسیکو در رومانس) داشت. در مکتب « لوبه دووگا » این نمایشات مذهبی جنبه ای سمبولیک و در عین حال کاملاً ابتکاری داشت اما در مکتب « کالدرون » این سمبولیسم آنقدر پیش رفت تا توانست در حد يك قالب دراماتیک امواج رحمت خداوندی را بر انسان و بدبختی جاودانی وی را توصیف کند. در این آثار تصورات ماوراء الطبیعه^۶ و « خدائی^۷ » بوسیله بیان گرم و شیرین، حساسیت و زندگی خاصی مییابد و موسیقی نیز این تأثیر را تشدید مینماید.

نمایشنامه نویسان غیر مذهبی که در قرن گذشته آثار بزرگی از خود بیادگار گذاشته بودند در این قرن نیز نمرات جدیدی از کوشش های خلاقه خود را عرضه داشتند. در میان آنان باید از « سالوادور دولئون » نام برد

-
- L. de Benavente - ۲ Bailes - ۱
 Moreto - ۴ Tirso de Molina - ۳
 Metaphysique - ۶ Quevedo - ۵
 Théologique - ۷

که در نیمه اول قرن هفدهم در مدرسه عالی سویل تدریس مینمود. آثار وی که مشحون از تمایلات فلسفی و هجویات اخلاقی است، حاوی آوازه‌ها و قطعات کرالی میباشد که متأسفانه بخش موسیقی آنها بمرور زمان از بین رفته است. در قرن هفدهم موسیقی مذهبی تردیدی در بکار بردن يك بدعت جدید که عبارت بود از آرمونیزه کردن ملودی بخود راه نداد. معیناً در جریان نیمه اول قرن هفدهم موسیقیدانان اسپانیا بطور کلی به طریقه کنتربوان وفادار ماندند ولی تأثیر این موج نو در تصنیف ویلانسیکوها دیده میشود. نکته مهمی که بطور کلی درباره موسیقی همه کشورهای اروپائی صدق میکند، موضوع ارتباط موسیقی و مذهب است تا قبل از قرن نوزدهم موسیقیدانان حرفه‌ای بطور انفرادی درآمدی نداشتند و مجبور بودند برای ادامه زندگی خود را به دو مرجع مهم منتسب کنند: دربارهای سلطنتی و کلیساها. در آن زمان رسم بود که پادشاهان و امراء و اشراف بخاطر تجمل هر کدام ارکستری مخصوص بخود داشتند. از طرف دیگر برای اداره موسیقی نمازخانه‌های سلطنتی به موسیقیدانان محتاج بودند. بعلاوه چون موسیقی و بخصوص آوازه‌های کرال رکن مهمی از تشریفات مذهبی دین مسیح را تشکیل میدهد، کلیسا پناهگاه خوبی برای موسیقیدانان بود و تحت این شرایط موسیقی مذهبی در کشورهای مختلف اروپا رو به پیشرفت داشت و اسپانیا نیز از این جریان برکنار نبود.

نمازخانه سلطنتی در قرن هفدهم دائماً از نظر هنری رو به ترقی بود. اولین رهبر نمازخانه سلطنتی در این قرن موسیقیدان بزرگ «ماتئورومرو» بود. وی که خواننده بزرگی نیز بود تا هنگام بازنشستگی بسال ۱۶۳۳، در این سمت باقی ماند و بعد از آن بازرس موسیقی دربار شد و در ۱۶۴۷ در گذشت. وی علاوه بر آثار مذهبی مقدار زیادی آثار دیگر نیز از خود باقی گذارد که سبب شهرت بی اندازه او شد. بعد از او «کارلوس پاتینیو» باین مقام رسید و تا سال ۱۶۷۵ - که در گذشت - در این سمت باقی ماند و بعد از او بترتیب «خوان رولدان» و «کریستو بال گالمان» و «خوان دل وادو» و بالاخره «سباستیان دورون» - در ۱۷۹۱ - باین منصب

گمارده شدند. علاوه بر نمازخانه سلطنتی در مادرید کلیساهای معظم سایر شهرها نیز مملو از موسیقیدانان بزرگ بود که بخصوص باید از «توماس میسیه سس^۱» در تولدو و «فرانسیسکو سانتیاگو» در سویل نام برد. موسیقیدانان معروف دیگر «خوان پوخول^۲» پس از اقامت در چند کلیسا بالاخره رهبر موسیقی کلیسای معظم بارسلون شد. از نامبرده تعدادی آثار مختلف در دست است که اهمیت آنها بیشتر بسبب احساس عمیق مذهبی شان است.

موسیقیدان بزرگ دیگر این دوره «خوان باتیستا کومس^۳» (۱۵۶۸-۱۶۴۳) از اهالی والنسیا میباشد. وی پس از اشغال پست های مختلف، رهبر موسیقی کلیسای والنسیا شد. وی قطعات زیادی نوشته است. «کومس» در قطعاتی که برای هشت، ده و دوازده صدا نوشته، از سبکی باشکوه و پرابهت استفاده کرده است.

در این قرن با اینکه ارگ هنوز ساز اصلی کلیسا بود اما بتدریج سایر آلات موسیقی نیز راه خود را به کلیسا باز کردند. فی المثل در صومعه «اسکوریال» در ۱۶۳۰ نوازندگان برای هارپ و لیر وجود داشتند. در سایر کلیساهای نیز از کورنت، هارپ، باسون، اوبواهای اولیه، ویولن و «ربک^۴» نیز استفاده میشد. باین ترتیب موسیقی سازی نضج میگرفت. البته در این قرن آثار سازی مهم و فراوانی بچشم نمیخورد و باید برای مطالعه پیشرفت این نوع موسیقی به بررسی قرن هجدهم پرداخت.

رتال جامع علوم ترجمه و اقتباس دکتر فرخ شادان

J. Pujol - ۲ T. Micieses - ۱
Rebec - ۴ J. B. Comes - ۳